

# اوباشیگری در فوتبال

## هراس جامعه از جوانان بیکار پرخاشگر

- کندوکاوی در پدیده اوباشیگری در فوتبال
- جان ویلیامز، اریک دایننگ و پاتریک مورفی
- حسن افشار
- نشر مرکز
- ۱۳۷۹، ۱۶۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه



کندوکاوی  
اوباشیگری

جان ویلیامز  
اریک دایننگ  
پاتریک مورفی

### چکیده:

برگزاری مسابقات فوتبال، حوادث تلخ و شیرین بسیاری را با خود به همراه دارد. پیروزی یک تیم هیجان و شادی و احساس غرور طرفداران آن را به دنبال دارد و شکست تیم دیگر موجب اندوه، سرافکنندگی،

عصبانیت و بعضاً پرخاشگری هواداران آن می‌شود. کراراً دیده شده است که پس از برگزاری بازی به‌ویژه میان تیم‌های معروف باشگاهی یا ملی، هواداران تیم‌ها به ابراز احساسات پرداخته و با شکل‌گیری هیجانات جمعی، درگیری و نزاع پیش آمده و در این میان جمعیت انبوه هیجان زده و برافروخته به آنچه در مقابل خود دیده‌اند حمله‌ور شده‌اند و خسارت‌های زیادی را بر وسایل نقلیه، ساختمان‌ها و یا بر افراد طرفدار تیم مقابل وارد ساخته‌اند.

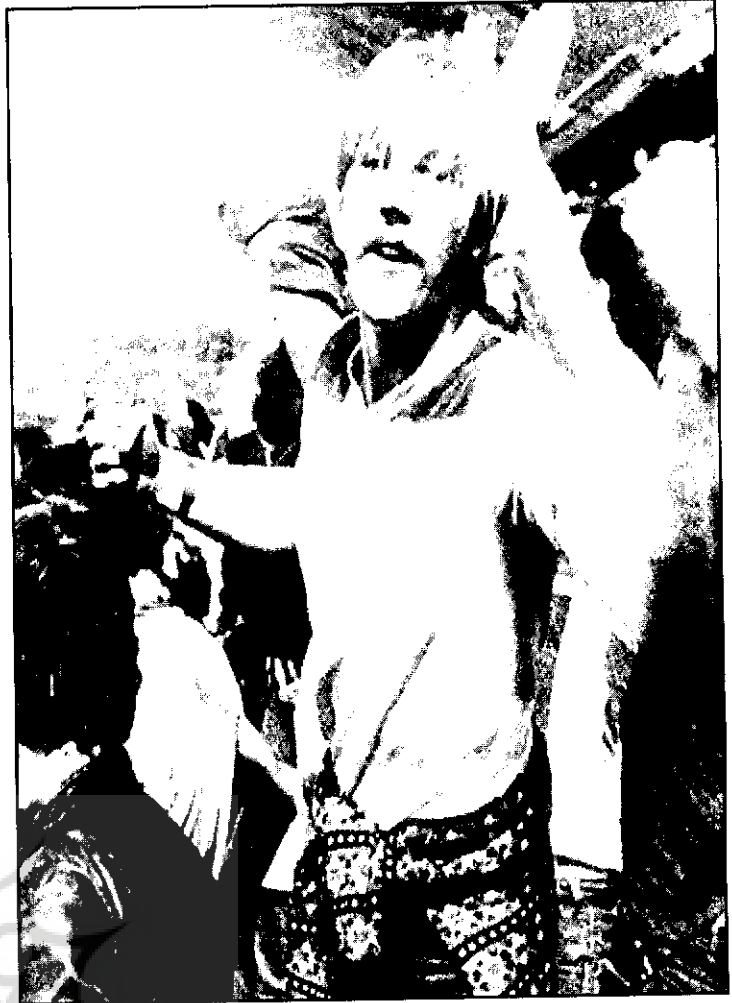
چرا پس از مسابقات فوتبال، چنین رویدادهایی مشاهده می‌شود اما در ورزش‌های دیگر چنین چیزی دیده نمی‌شود؟ چرا هنگام برگزاری مسابقات جام جهانی، مقررات ویژه‌ای برای مقابله با طرفداران هیجان‌زده فوتبال وضع می‌کنند؟ افرادی که هیاهو جنجال راه می‌اندازند و یا درگیری ایجاد می‌کنند، چه خصوصیتی دارند؟ متعلق به چه قشر و پایگاه اجتماعی هستند؟ چگونه می‌توان این گونه رفتارها را تبیین کرد و چگونه می‌توان با آن مقابله نمود؟ کتاب حاضر، که حاصل یک کار پژوهشی است، برای پاسخگویی به سؤالاتی از این

کتاب حاضر، حاصل تلاشی سه جانبه، همکاران آلمانی، روسی و انگلیسی، به بررسی رفتار فوتبال دوستان افراطی و بررسی ریشه‌ها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی اوباشیگری نگاه می‌کند. باز به آن دانشمند بازنشسته، بد استناد آنها قدم اول در فهم اوباشیگری در باشگاه فوتبال و سایر ورزش‌ها، به مطالعه ذهن از نامبرو شامانه سمیت به این پدیده و نیز پذیرش این نکته است که بین اوباشیگری و هواداری فوتبال تفاوتی وجود ندارد، بلکه اوباشیگری پدیده بی‌حدیته‌ای است و عوامل متعددی مانند فرهنگی و روان‌شناختی در آن دخالت دارند که باید آنها را در چارچوب نظری جامعه‌شناسی جای‌دهنده تا سنجش از سنجش سنجی کرد.

دست، تنظیم شده است. در بخش اول این کتاب، در یک مطالعه میدانی، پدیده اوباشیگری در چند کشور اروپایی بررسی شده و در بخش دوم، تحلیلی تاریخی-اجتماعی از این پدیده در فوتبال انگلستان ارائه شده است. جوان‌ترین عضو این مجموعه یعنی جان ویلیامز،

مسئولیت گردآوری اطلاعات میدانی در طول مسابقات برگزار شده طی سال ۱۹۸۲ در کشورهای اسپانیا، هلند و دانمارک را بر عهده داشته است. او با حضور در میان فوتبال دوستان افراطی انگلستان و همراه و همگام با آنان به ثبت و ضبط رفتارشان پرداخته است. برای تدوین بخش اول علاوه بر ثبت مشاهدات جان ویلیامز، از وقایع حاشیه‌ای مسابقات فوتبال و گزارش‌های خبرنگاران در روزنامه و سایر رسانه‌های گروهی استفاده شده است.

نویسنده بخش اول را با برد انگلستان در برابر مجارستان آغاز نموده و نشان می‌دهد که چگونه این پیروزی ملی موجبات خوشحالی فوتبال دوستان انگلیسی و نگرانی مقامات انگلیسی و اسپانیایی را فراهم آورده است. در نتیجه این برد انگلستان پس از دوازده سال به دور نهایی رقابت‌های جهان فوتبال راه پیدا کرد که میزبان برگزاری این مسابقات کشور اسپانیا بود. نگرانی دو کشور البته با یکدیگر متفاوت بود. چرا که انگلستان نگران بدنام شدن



در بخشی از کتاب نشان داده می شود که چگونه ورزش فوتبال، با مسائل سیاسی و نظامی انگلستان در مقابل دشمنانش مورد سنجش قرار می گیرد و در نهایت، پیروزی در زمین فوتبال، مساوی با پیروزی نظامی قلمداد می شود

احساس نژادپرستی و تهاجم به خارجی‌ها بیشتر در مسابقات جهانی که میزبان، کشور غریبه‌ای است، صورت می‌گیرد. به گونه‌ای که احساس هویت ملی در میان هواداران تیم‌های ملی تقویت می‌شود. اگر چه طرفداران باشگاه‌های مختلف در وطن یا یکدیگر اختلاف دارند، اما پیوندهای مشابهت، بین گروه‌های هموطنی که در کشورشان چشم دیدن همدیگر را ندارند، بر اختلافانسان سایه می‌افکند و درگیری‌های خانگی هواداران باشگاه‌ها تحت‌الشعاع آرمان ملی آنها قرار می‌گیرد.

پرتاب سنگ و بطری‌های خالی بر سر طرفداران تیم رقیب، شکستن ویترین مغازه‌های اطراف ورزشگاه، پاره کردن روکش صندلی‌های قطار و اتوبوس، ضرب و جرح یکدیگر، و حتی در مواردی چاقو کشیدن و در صورت دارا بودن اسلحه، کشیدن اسلحه بر روی سایر افراد، حمله به سر مربی و یا بازیکنان تیم مقابل، زدن داور در صورتی که قضاوت او به ضرر تیم محبوب تمام شده باشد و... از جمله رفتارهای این اوباش بوده است.

اما واکنش مسئولین رسمی در برابر این گروه‌ها چنین بوده است: تجمع بیشتر پلیس در ورزشگاه‌ها، استفاده از سگ‌های پلیس، استفاده از باتون، جدا کردن جایگاه طرفداران تیم‌های مختلف از یکدیگر (که البته منجر به تقویت حس همبستگی میان آنان و تهییج حمله به گروه مقابل شده است)، قرار گرفتن ستونی از پلیس بین گروه‌های تماشاچیان، بازداشت ارادل و اوباش، محروم نمودن تیمی که طرفدارانش غوغا به پا کرده‌اند از برخی موقعیت‌ها مثل داشتن تماشاچی و یا جریمه نقدی، پوشش خبری کامل رفتارهای حاشیه‌ای فوتبال، بزرگ‌نمایی حرکت‌های غلط اوباش، دامن زدن به رقابت گروه‌های اوباش در برتری نسبت به یکدیگر از طریق رده‌بندی میزان خشونت‌های اعمال شده و بالاخره عدم توجه به علل و ریشه‌های اصلی بروز این رفتارها.

از دیگر نکات برجسته در این بخش می‌توان به گزارش اوباشگیری فوتبال دوستان افراطی از کشورهای دیگر مثل آلمان و دانمارک اشاره نمود. نویسنده در این بخش بدون آن که بخواهد توجهی بر رفتار اوباشگیران انگلیسی داشته باشد، نشان می‌دهد که این پدیده در سایر جوامع نیز به همین شکل وجود دارد.

در این بخش نویسنده به خوبی نشان می‌دهد که چگونه مقامات رسمی انگلیس علیرغم این که از رفتار زشت اوباش فوتبال‌دوست اظهار ناخرسندی و طلب پوزش می‌کنند اما گزارش پلیس کشورهای میزبان (مثلاً دانمارک) را در مورد اوباش انگلیسی افشا نکرده و آن را تجاوز به حقوق و آزادی‌های فردی آنان قلمداد می‌کنند. (ص ۶۱) در واقع جان ویلیامز نشان می‌دهد که عرق ملی چگونه به حمایت از این افراد برمی‌خیزد و مانع از آن می‌شود که این افراد در داخل کشور با مشکل مواجه شوند.

نکته قابل توجه که وی به صراحت به آن اذعان دارد سوء شهرت اوباشگیران فوتبال‌دوست انگلیسی است به گونه‌ای که در کشور میزبان، فوتبال‌دوستان افراطی، خود را آماده قدرت‌نمایی و تسویه حساب با آنان نموده و از پیش خود را برای انجام هر گونه برخوردی آماده می‌کنند. چنانکه در سال ۱۹۸۲ در یونان چنین اتفاقی افتاد و اوباش یونانی با بسیج عمومی اتوبوس حامل انگلیسی‌ها را به آتش کشیدند و به آنها حمله‌ور شدند. حتی ائتلافی از هواداران دو باشگاه مهم یونان علناً با نوشتن این مطلب روی پلاکارد که «متحد زیر پرچم یونان به انگلیسی‌ها نشان می‌دهیم که یونان، دانمارک نیست» به میهمانان انگلیسی خود اعلان جنگ نموده بودند.

در بخش دوم که به تحلیل واقعه اوباشگیری در انگلستان اختصاص دارد، نویسنده می‌کوشد تا نشان دهد این رفتار دارای ریشه‌های عمیق اجتماعی است. یکی از دلایل او این است که برخلاف تصور عمومی، پدیده اوباشگیری از آغاز پیدایش فوتبال به صورت امروزی آن در نیمه دوم قرن نوزدهم با آن همراه بوده و تنها در دوره‌های مختلف شدت و ضعف داشته است. دلیل این ادعا هم عدم وجود یک دوره از فوتبال است که در حاشیه آن آشوبی

فوتبال دوستان خود و از بین رفتن دیسپلین خویش بود و اسپانیایی‌ها نیز نگران زبان‌های مالی که در اثر رفتارهای خشونت‌آمیز باید متحمل می‌شدند.

در این بخش نشان داده می‌شود که چگونه ورزش فوتبال با مسائل سیاسی و نظامی انگلیس در مقابل دشمنانش مورد سنجش قرار می‌گیرد و در نهایت اینکه پیروزی در زمین فوتبال مساوی با پیروزی نظامی قلمداد می‌شود و حمله به طرف مقابل مساوی با انتقامجویی از دشمنان کشور. البته ناگفته نماند که سیاستمداران انگلیسی به‌ویژه خانم تاجر برای تقویت روحیه فوتبالیست‌ها و افزایش احتمال برد، کار آنان را با سرایان خط مقدم جبهه مبارزه با آرژانتین بر سر جزایر فالکلند یکی دانسته و آنان را سربازان انگلستان و نمایندگان شایسته کشورشان می‌خواندند.

از نکات مهم این بخش، بهره‌برداری‌های سیاسی گروه‌های مختلف از رفتار خشونت‌آمیز فوتبال دوستان انگلیسی است که به این ترتیب با تهییج این افراد و سازمان‌دهی ایشان هر گروه سیاسی سعی در خودنمایی و زورآزمایی در برابر سایر گروه‌ها و قدرت‌های سیاسی دارد.

علاوه بر این محقق در این بخش به وضعیت سنی فوتبال دوستان افراطی که در اینجا اوباش نامیده می‌شوند اشاره کردند و آنها را در موارد مختلف بین سنین ۲۱ تا ۳۰ سال طبقه‌بندی می‌کند. البته این بدان معنا نیست که گروه‌های سنی زیر ۲۱ سال و بالای ۳۰ سال در این درگیری‌ها حضور نداشته‌اند، بلکه منظور این است که میانگین سنی افراد بین ۲۱ تا ۳۰ سال بوده است. ناگفته نماند اکثریت این افراد مرد بوده‌اند. اکثر این افراد ظاهر خود را شبیه به هم و باصطلاح «مردانه» آرایش داده‌اند. یعنی ظاهری پرخاشگرانه با سیگاری اویزان از لب، بطری‌های مشروب در دست، چکمه‌های بلند، عینک‌های تیره و بدن‌های خالکوبی شده به تصویر سگ بلداگ. مشاغل این افراد از پست‌ترین شغل‌ها بوده تا حدی که عده زیادی از آنان برای تأمین هزینه سفر و تماشای مسابقات جام جهانی مدت‌ها به خود گرسنگی داده‌اند تا بتوانند خرج سفر را تأمین کنند. اکثر این افراد کارهای یدی داشته‌اند و در کنار آن علاقه وافری به نزاع و درگیری از خود نشان می‌داده‌اند. از آنجا که وضع مالی خوبی نداشته‌اند برای تأمین خود در طول دوره سفر دست به سرقت‌های کوچک و بزرگ می‌زدند. اکثر آنان آمادگی استفاده از الفاظ رکیک را داشته و تا سر حد امکان مشروب‌خواری کرده و سیاه مست می‌شده‌اند. بیشتر آنها جوانان لندنی بوده‌اند، و گرایش‌های نژادپرستانه و ضد خارجی داشته‌اند.



بررسی هاستان داده است که برخورد پلیسی را پدید آورده است؛ اکنون ارادل و اوباش با سازماندهی و برنامه‌ریزی دست به عمل می‌زنند و مانند گذشته رفتارهای خشونت‌آمیز آنها تنها از روی احتیاجات و تهییج جمعیت نیست

رخ نداده باشد. دلیل دیگر بر اجتماعی بودن این رفتار، سماجت اوباش است که امروزه خود را با همه وجود وقف آن می‌کنند و در واقع این شیوه زندگی آنان است چرا که با وجود همه اقدامات بازدارنده مقامات رسمی دولتی و ورزشی همچنان به رفتار خود ادامه می‌دهند.

نویسندگان در این بخش نشان می‌دهند که چگونه برخورد پلیسی با این پدیده منجر به پیچیده شدن رفتار اوباشیگری شده است. به گونه‌ای که امروز ارادل و اوباش با سازماندهی و برنامه‌ریزی دست به عمل می‌زنند و مانند گذشته رفتارهای خشونت‌آمیز آنها تنها از روی احساسات و تهییج جمعیت نیست. هدف اصلی نویسندگان این است که به این پرسش پاسخ دهند که از دیدگاه جامعه‌شناسی رفتار این اوباش را چگونه می‌توان توضیح داد؟ در زندگی این جماعت چه عاملی وجود دارد که میل به جنگیدن را در آنان تقویت می‌کند و بالاخره چرا آنها حاشیه فوتبال را برای نمایش رفتار خود انتخاب می‌کنند.

نویسندگان این بخش، نظریات مربوط به اوباشیگری در بستر فوتبال را به دو دسته افواهی و علمی تقسیم‌بندی می‌کنند که در اولی اوباشیگری به مشروب‌خواری، خشونت ورزش فوتبال، بیکاری در جامعه و آسانگیری جامعه نسبت داده می‌شود. در ادامه نویسندگان نشان می‌دهند که اگر چه این عوامل وجود دارند و نقش ایفا می‌کنند اما نباید این عوامل را برجسته نموده و تبیین کننده رفتار اوباشیگری دانست. چرا که اوباشیگری رفتاری چندوجهی و پیچیده است. عوامل ذکر شده در نظریه افواهی بیشتر از آن که عامل بوجود آورنده باشند، محرک رفتار اوباشیگری محسوب می‌شوند.

در ادامه، نظریات جامعه‌شناسانی چون پیت مارش، یان تیلر و جان کلارک مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نظریه مارش که به «پرخاشگری آیینی» تعبیر شده، پرخاشگری دو نوع است: یکی پرخاشگری یا خشونت واقعی است که اعمال خشونت جسمانی علیه دیگران تعریف شده است و دومی پرخاشگری آیینی است که کنایی یا نمادین است، مثل نشان دادن اسلحه به جای استفاده از آن. هر چند در شرایطی ممکن است به استفاده از آن و ضرب و جرح و قتل نیز بینجامد، که در این صورت نوع دوم به نوع اول منتهی شده است. به نظر مارش و همکاران او در دانشگاه آکسفورد و براساس بررسی مصاحبه‌های انجام شده با اوباش فوتبال دوست، قصد آنها از جنگیدن با حریف فقط کوچک کردن و به تسلیم واداشتن اوست نه ضرب و جرح یا قتل او.

مهم‌ترین نقص این نظریه این است که به زعم نویسندگان کتاب نمی‌تواند رفتار اوباشی را که به داخل زمین سنگ‌رانی می‌کنند توجیه کند، چرا که کار آنها قطعاً نمی‌تواند نمایشی نمادین برای مرعوب کردن کسی قلمداد شود.

تیلر و کلارک در تبیین پدیده اوباشیگری دیدگاه مارکسیستی دارند و این پدیده را به سرمایه‌داری و طبقه کارگر نسبت می‌دهند. «تیلر اوباشیگری در بستر فوتبال را پدیده‌ای جدید می‌داند و نشأت گرفته از تأثیر فرهنگی که «بورژوازی شدن» و «جهانی شدن» فوتبال در جوانان بیکار قشر تحتانی طبقه کارگر گذاشته است.» (ص ۷۱)

در واقع تیلر معتقد است سیاست مسئولان ورزش انگلستان برای جذب طبقه بورژوا به این ورزش و حرفه‌ای شدن فوتبال که تغییرات عمده‌ای در زندگی بازیکنان ستاره فوتبال به وجود آورد، زمینه‌ساز اوباشیگری شده است. به اعتبار تیلر این مسائل باعث شده طرفداران فوتبال که غالباً از کارگران و قشر کم‌درآمد جامعه بوده‌اند، رابطه گذشته خود با باشگاه‌ها را از دست بدهند و زندگی فوتبالیست‌ها را نیز در واقع نوعی پشت نمودن به زندگی کارگری بدانند. به نظر تیلر اوباشیگری، واکنش جوانان طبقه کارگر به این فرآیند بوده و در واقع نوعی جنبش مقاومت کارگری است. از نظر کلارک نیز حرفه‌ای شدن فوتبال زمینه‌ساز اوباشیگری شده چرا که حرفه‌ای شدن

فوتبال و تبدیل آن به کالایی مصرفی، باعث شده که جوانان کارگر، روز به روز آن را با فرهنگ کارگری خود، بیگانه‌تر ببینند و لذا دست به او باشیگری می‌زنند.

به نظر نویسندگان این جامعه‌شناسان در همبستگی گذشته طبقه کارگر اغراق می‌کنند تا آن را در مقال تفرقه‌کنونی‌اش، که باز هم اغراق‌آمیز است، قرار دهند.

در این بخش نشان داده می‌شود که چگونه ورزش فوتبال در انگلیس سیر صعودی و سپس نزولی داشته است. البته در تبیین آن نیز عوامل متعددی را دخیل می‌دانند از جمله:

۱- بالا رفتن سطح رفاه جامعه که در نتیجه آن قشری از طبقه کارگر به رده‌های بالا صعود می‌کنند لذا به ورزش‌های دیگر می‌پردازند. ۲- بروز رفتارهای اوباشیگری در حاشیه ورزش فوتبال ۳- نگرانی اقشار مختلف از حضور در باشگاه‌ها و احتمال حمله از سوی اوباش، البته زبان مستهجن عده‌ای از تماشاگران فوتبال، حمله به داور و بازیکنان، تخریب اماکن و اموال و اغتشاش در بیرون ورزشگاه‌ها از جمله ایستگاه‌های قطار را نیز از نظر دور نداشته‌اند.

براساس مدارک و اسناد موجود تظاهر رفتارهای اوباشیگری در دوران بین دو جنگ جهانی کاهش داشته و در مقابل، سیر طرفداران فوتبال نیز رو به فزونی بوده است. نویسندگان کتاب رفتار آرام تماشاگران را درپاره‌ای از گرایش‌های اجتماعی می‌دانند که خود به آن نام «تشابه طبقاتی» داده‌اند. زیرا در این سال‌ها رفاه عمومی افزایش می‌یابد در نتیجه تعداد بیشتری از کارگران ویژگی‌های رفتاری و ارزشی طبقات بالاتر جامعه را جذب می‌کنند. به این ترتیب تلاش برای شبیه شدن به آنان آغاز می‌شود تا مثل این افراد متملن و با فرهنگ جلوه کنند. البته این روند با مصرفی شدن جامعه نیز همسو و همراه بوده است. روندی که در آن گرایش فزاینده گذراندن اوقات فراغت در خانه مشهود بود.

استفاده از الفاظ خاصی برای نامیدن افرادی که در حاشیه فوتبال مسئله ایجاد می‌کردند در سال‌های قبل از جنگ و بعد از آن نشانگر تفاوت در نگاه به این مسئله است. پیش از جنگ به وفور از واژه‌هایی مثل ارادل و اوباش در توصیف این گونه افراد استفاده می‌شده در حالی که بعد از جنگ با الفاظی چون رفتار غیر ورزشی و یا کارهای ناجوانمردانه به اوباشیگری اشاره می‌شده است.

در تبیین کاهش بروز رفتار اوباشیگری در سال‌های بین دو جنگ علاوه بر عوامل گذشته (تشابه طبقاتی، رواج نرم‌خویی) نویسندگان عدم انعکاس آشوب‌ها و رفتار زشت

## در سال‌های بین دو جنگ که رفاه عمومی افزایش می‌یابد و تعداد بیشتری از کارگران ویژگی‌های رفتاری و ارزشی طبقات بالاتر را جذب می‌کنند و با مصرفی شدن جامعه گرایش بیشتری به گذراندن اوقات فراغت در خانه به وجود می‌آید، تظاهر رفتاری اوباشگیری کاهش داشته است

دولت قرار می‌گیرد و افراد از راه‌های دیگری خصوصاً اقتصادی در پی تحمیل اراده خود برمی‌آیند. (ص. ۱۴۷)

بر این اساس نویسندگان نشان می‌دهند که چگونه تحت تأثیر این عامل و افزایش رفاه اجتماعی و در نتیجه تشابه طبقاتی طبقه کارگر با اقشار مرفه دیگر با خشونت خوسته‌های خود را مطرح نمی‌کنند. که این وضع در سال‌های بین دو جنگ بیشتر دیده می‌شود.

«با تسریع روند تشابه طبقاتی، بخش‌های بیشتری از طبقه کارگر زیر چتر حمایتی «انحصار خشونت» قرار گرفتند و حال که چیزی داشتند که نگران از دست دادنش باشند، پلیس را دیگر نه نماینده صرف طبقه حاکم بلکه نگهبان ضروری نظم و امنیت می‌دیدند. در این شرایط، طبیعی بود که احساس کنند از راه‌های مسالمت‌آمیز، بهتر می‌توانند اهداف و منافع خود را دنبال کنند، ولو در تعارض با منافع گروه‌های حاکم باشند.» (ص. ۱۵۲)

اما در انگلستان وضع به گونه‌ای دیگر بوده است زیرا نابرابری تا حدود زیادی به قوت خود باقی است و هر چند فرصت‌هایی برای صعود محدود در طبقات وجود دارد، تعداد سدهای نفوذناپذیر هنوز فراوان است. در ادامه نشان می‌دهند که عوامل زیر منجر به افزایش اوباشگیری شده است: ۱- افزایش قدرت طبقه کارگر، ۲- افول قدرت امپراتوری بریتانیا، ۳- تنش بین نسل‌های انگلیسی و میهمانان مهاجر، ۴- نحوه تبلیغ فوتبال به عنوان ورزشی که در بستر آن نبردها و وقایع هیجان‌انگیزی مرتب رخ می‌دهند.

در مجموع، در بررسی و حل معضل اوباشگیری کتاب حاضر بر چند نکته مهم تأکید دارد:

۱- اوباشگیری یک پدیده کوتاه مدت و گذرا نیست. بلکه پدیده‌ای است با ریشه‌های تاریخی و اجتماعی. برای حل این معضل در حاشیه فوتبال، ابتدا باید به شناسایی افراد به لحاظ موقعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پرداخت. برای فوتبال‌دوستان افراطی، اوباشگیری نه یک سرگرمی، بلکه یک شیوه زندگی است. شیوه‌ای که برخورد پلیسی و خشونت‌آمیز نمی‌تواند آن را مهار و کنترل کند بلکه موجب پیچیده‌تر شدن آن می‌شود.

۲- در کوتاه مدت، با مطالبه احساس مسئولیت بیشتر از کسانی که جمعیت‌ها را مدیریت می‌کنند و نیز کسانی که درگیری‌ها و خشونت‌ها را گزارش می‌کنند، می‌توان احتمال وقوع اوباشگیری را کاهش داد.

۳- مقابله ریشه‌ای با معضل اوباشگیری از طریق اصلاح ساختار اجتماعی، دادن امتیازات بیشتر به طبقات پایین‌تر و کاهش امتیازات طبقات مرفه و اصلاح سیاست‌های ورزشی امکان‌پذیر است.

آنچه در این کتاب در توضیح رویدادهای مربوط به اوباشگیری و تحلیل و تبیین آن آمده، به جوامع غربی مربوط می‌شود.

اما از نظر نوع رویدادها و علل مؤثر بر آن مشابهت‌های قابل توجهی میان جامعه ما و جوامع یادشده وجود دارد. یکی از این موارد، استفاده از الفاظ نظامی در گزارش‌های ورزشی است. از جمله زمانی که ایران و چین مسابقه‌ای تدارکاتی برای جام جهانی داشتند، پیروزی تیم فوتبال ایران، با چنین تعبیری بیان شد: «... با شلیک یک توپ، دیوار چین را خراب کرد.»

این کتاب جزء معدود آثاری است که به بررسی علمی پیرامون حوادث ورزشی پرداخته است. در کشور ما تنها مقالات محدودی در خصوص این پدیده از سوی مفسران ورزشی نگاشته شده است. اما تاکنون پژوهشی علمی که بتواند از دیدگاه‌های مختلف به تبیین آن بپردازد، صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری برای انجام مطالعه‌ای وسیع درخصوص پدیده جهانی اوباشگیری برای مقابله با آن بسیار ضروری است.

اوباش در گزارش‌ها یا بی‌اعتنایی مطبوعات به آنها را نیز دخیل دانسته‌اند هر چند که اعتراف می‌کنند اوباشگیری با تغذیه انگلی از پیکر تنومند فوتبال به حیات خود، ولو زیرزمینی، ادامه داد.» (ص. ۱۰۱).

در صفحات ۱۰۲ تا ۱۰۴ کوشش شده تا اوباشگیری را به عنوان یک معضل اجتماعی بحث کرده و عواملی را که منجر شد تا این موضوع شناخته شود طرح نماید. از جمله این عوامل افزایش گزارش وقوع اوباشگیری و در نتیجه ایجاد وحشت جامعه از آن، نگرانی جامعه از رفتار جوانان طبقه کارگر در مسیر شهرهایی که بازی بین آنها برگزار می‌شد، برداشته شدن سقف حقوق بازیکنان و سرازیر شدن درآمدهای هنگفت به جیب ستارگان فوتبال، تلاش روزنامه‌نگاران برای افزایش تیراژ و پرفروش شدن روزنامه‌هایشان از طریق پرداختن به اوباشگیری و مقایسه میزان خشونت آنان با یکدیگر و رتبه‌بندی نادرست از آن، استفاده از الفاظ نظامی در گزارش‌های ورزشی، مسابقه اوباش شهرستانی با اوباش ساکن لندن برای به زانو درآوردن آنها، انصراف روزافزون قشر بالای کارگران از حضور در ورزشگاه و جایگزینی جوانان قشر پایین به جای آنها و بالاخره تشکیل گروه‌های جوان با خرده فرهنگ‌های خاص می‌توان اشاره نمود.

نویسندگان در بررسی این معضل سه عامل را مرتبط با یکدیگر می‌بینند ۱- پرخاشگری مردان، ۲- همدلی محلی شدید هواداران و بالاخره ۳- نقش انکارناپذیر طبقه کارگر در آن.

در اینجا اشاره می‌شود که مردان به دلیل موقعیت اجتماعی حمایت از خانواده و انجام کارهای سخت، زمینه‌های پرخاشگری بیشتری داشته‌اند که در مسئله اوباشگیری نیز خود را نشان داده است. علاوه بر آن افراد هم محله‌ای به دلیل گذران اوقات بیشتر با یکدیگر، کمی جا در منزل، بیکار بودن و داشتن نقاط تشابه بیشتر با یکدیگر از همبستگی زیادی برخوردار بوده‌اند. لذا در طرفداری از تیم محل زندگی خود واکنش شدیدی نشان می‌دهند. و بالاخره اینکه در تمامی درگیری‌ها هسته اصلی اوباشگیری کارگران بوده‌اند، البته کارگرانی که بیشتر بدون تخصص بوده‌اند و تنها نیروی بدنی آنها عامل عرضه کارشان به بازار بوده که با صنعتی شدن نیز اولین گروه‌هایی که از کار بیکار شده‌اند همین‌ها بوده‌اند. لذا چیزی برای از دست دادن نداشته‌اند که مانع حضور آنان در درگیری‌ها باشد و بدین ترتیب آنان علاوه بر وقت‌گذرانی به تخلیه انرژی خود و خالی نمودن عقده ناشی از بیکاری و یا دستمزد پایین و بالاخره شرایط بد اقتصادی می‌پرداخته‌اند.

البته مهم‌ترین مطلبی که بدان اشاره شده این است که به هیچ وجه همه اوباش از این قشر خاص نیستند، اما به استناد مدارک موجود، سرسخت‌ترین اوباش در جدی‌ترین موارد اوباشگیری در بستر فوتبال از جوانان و نوجوان قشر پایین طبقه کارگر هستند. (ص. ۱۴۲) اوباشان سایر اقشار در بروز رفتارهای خشونت‌آمیز سماجی از خود نشان نمی‌دهند. و دیگر اینکه اوباش رفتار خود را نشانه مردانگی می‌دانند چه این رفتار در میدان مسابقه مشت‌زنی باشد و چه در حاشیه بازی فوتبال.

در میحث پایانی نویسندگان با استناد به نظرات «ایلیاس» به تبیین واقعه پرداخته و راه حل ارائه می‌دهند. آنها نشان می‌دهند که اگر چه در جهان جریان‌های تمدن‌ساز مانند رشد اقتصادی و افزایش وابستگی‌های اجتماعی وجود داشته است، اما در کنار آن جریان‌های تمدن‌سوز نیز بوده است. مثلاً در مقابل رشد اقتصادی، افت اقتصادی و نیز افزایش نابرابری تمدن‌سوز بوده‌اند.

اساس نظریه ایلیاس بر این موضوع استوار است که باید قدرت در انحصار دولت باشد تا بدین ترتیب خشونت فیزیکی از شئون اجتماعی حذف شود. زیرا با این انحصار افراد از همان طفولیت می‌آموزند که برخلاف قوانین رفتار کردن مجازات در پی دارد. باید عقلانی رفتار کرد و از بروز خشونت خودداری نمود. بدین ترتیب ترس دوگانه، از پرخاشگری و مجازاتش، بر نهاد فرد مستولی می‌شود. امکان اعمال خشونت فیزیکی به‌طور کامل در اختیار